

بک شناسی شعر پارسی

از رودکی تا شاملو

تألیف دکتر محمد غلامرضایی

ISBN 978-964-2520-03-1

فهرست اجمالی مطالب

- فصل اول: مقدمات ۵-۲۴
- فصل دوم: ویژگیهای زبانی دورهٔ رشد و تکوین ۲۵-۴۹
- فصل سوم: سبک شعر دورهٔ سامانی ۵۱-۷۰
- فصل چهارم: سبک شعر قرن پنجم ۷۱-۹۱
- فصل پنجم: سبک شعر قرن ششم ۹۳-۱۴۲
- فصل ششم: سبک شعر دورهٔ مغول ۱۴۳-۲۰۴
- فصل هفتم: سبک شعر قرن نهم ۲۰۵-۲۲۳
- فصل هشتم: سبک شعر دورهٔ صفویه ۲۲۵-۲۵۰
- فصل نهم: سبک شعر دوران بازگشت ادبی ۲۵۱-۲۵۸
- فصل دهم: سبک شعر دورهٔ مشروطه ۲۵۹-۲۶۴
- فصل یازدهم: سبک شعر معاصر ۲۶۵-۲۸۲
- فهرست منابع ۲۸۳-۲۸۸
- فهرست اعلام و موضوعات ۲۸۹-۲۹۶

پیشگفتار

سپاس خدای بزرگ بی‌مانند را که به توفیق او، کتاب سبک‌شناسی شعر پارسی، برای چاپ دوم آماده گشت. بسیاری از استادان دانشمند و همکاران گرامی، پس از انتشار چاپ اول کتاب، نگارنده را دل دادند و تشویق کردند. آفرین بر نظر پاک خطاپوششان باد. از لطف همه آنان سپاسگزارم. اما به سبب حجم کتاب و حفظ تناسب آن با حوصله خوانندگان امروزی و گرانی کار چاپ، گروهی از آنان، خلاصه‌تر بودن کتاب را توصیه کردند. برای رعایت نظر ایشان، بخشی از شواهد و نمونه‌های شعری کتاب را کاستیم و از پاره‌ای مطالب آن چشم پوشیدیم و آن را از نو ویراستیم. حاصل، کتابی است که در دست دارید. امید است که آن را بپسندید. با اینهمه نگارنده آرزو مند است که سبک‌شناسی تفصیلی شعر پارسی را - که در مقدمه چاپ اول از آن سخن رفته است - هرچه زودتر آماده و به علاقه‌مندان تقدیم کند.

لازم است از همراهی و همکاری همسر کوشا و مهربانم سرکار خانم لاجوردی و آقای حسین دهقان مدیر محترم انتشارات جامی تشکر کنم که هر دو آن را بر من و بر این کتاب حقی است و بی‌شک اگر این لطف و همراهی نبود، این کار به پایان نمی‌آمد.

تهران - شهریور ۱۳۸۱

محمد غلامرضایی

درباره واژه سبک: واژه «سبک» مصدر ثلاثی مجرد عربی است به معنی گذاختن و ریختن و قالب‌گیری کردن زر و نقره، و «سبیکه» به معنی پاره زر و نقره گذاخته و قالب‌گیری شده مشتق از آن است.^۱

در کتاب الشعر و الشعراء ابن قتیبه (متوفای ۲۷۰ ه. ق.) این واژه به معنی «شیوه» و «روش» به کار رفته است^۲ اما در عربی امروز معمولاً به جای آن، واژه «اسلوب» را به کار می‌برند و آن را بر «اسالیب» جمع می‌بندند.

در زبانهای اروپایی کلمه Style به کار می‌رود و آن مشتق است از «استیلوس»^۳ یونانی که به معنی قلم حجاری بوده است.

در زبان فارسی قدیم، واژه «سبک» به معنی مورد نظر ما، به کار نمی‌رفته است. ظاهراً استعمال آن بدین معنی، مربوط است به ادوار متأخر. به نظر ملک‌الشعراء بهار اولین متنی که این واژه در آن به این معنی به کار رفته است، «مجمع‌الفصحا»ی رضاقلی‌خان هدایت است.^۴

در شعر دوره سامانی تا قرن پنجم، اگرچه شاعران گاه‌گاهی درباره شعر یکدیگر سخن گفته‌اند و کلام خویش را به ترازوی نقد سنجیده‌اند، اما در اشاره به روش شاعری یکدیگر ظاهراً واژه‌ای مستقل به کار نبرده‌اند. عنصری در بیان این مفهوم از پسوند «وار» یاری گرفته و گفته است:

۱. لسان‌العرب، ذیل واژه «سبک».

۲. سبک خراسانی در شعر فارسی، ص ۳.

3. Stilus

۴. سبک‌شناسی، محمدتقی بهار، جلد اول، مقدمه، ص «ی». دکتر سیروس شمیسا، در کتاب «کلیات سبک‌شناسی» ص ۱۳۵-۶ نمونه‌هایی از کاربرد واژه «سبک» را در متون نثر قبل از مجمع‌الفصحا نیز نشان داده است.

غزل رودکی وار نیکو بود غزلهای من رودکی وار نیست

اگرچه بکوشم به باریک وهم بدین پرده اندر مرا بار نیست^۱

و ناصرخسر و نزدیک بودن سبک شعر فارسی و عربی خود را به شیوه عنصری و بحتری و جریر، چنین بیان کرده است:

نظام سخن را خداوند دو جهان دل عنصری داد و طبع جریرم^۲

بخوان هر دو دیوان من تا ببینی یکی گشته با عنصری بحتری را^۳

اما از قرن ششم، واژه‌های «طریق»، «شیوه»، «طرز» و امثال آن معادل «سبک» به معنی امروزین آن به کار رفته است.^۴

خاقانی در قطعه‌ای، در پاسخ به کسی که شعر عنصری را به تعریض بر شعر او برتر دانسته بود، گفته است:

مرا شیوه خاص و تازه است و داشت همان شیوه باستان عنصری

زده شیوه کان حلیت شاعری است به یک شیوه شد باستان عنصری

نه تحقیق گفت و نه وعظ و نه زهد که حرفی ندانست از آن عنصری^۵

و در بیت دیگری گفته است:

جز این طرز مدح و طراز غزل نکردی ز طبع امتحان عنصری^۶

مرحوم دکتر محمد جعفر محجوب، «شیوه» را در این ابیات خاقانی به معنی معانی و اغراض شعری دانسته و بجز پنج مفهوم مدح، غزل، تحقیق، زهد و وعظ که خاقانی برشمرده است، از پنج مفهوم شعری دیگر نیز نام برده است.^۷ اما از آنجا که هر یک از معانی شعری، شیوه بیان خاص خود را دارد، می‌توان شیوه را در این قطعه خاقانی نیز مجازاً به همان معنی

۱. دیوان عنصری بلخی، ص ۳۲۷.

۲ و ۳. دیوان ناصرخسر، ص ۴۴۵، ۴۴۴.

۴. شیوه غریب است مشو نامجیب

گر بنوازش نباشد غریب

مخزن‌الاسرار، دکتر ثروتیان، ص ۵۷

منصفان استاد داندند که از معنی و لفظ

شیوه تازه نه رسم باستان آورده‌ام

دیوان خاقانی، ص ۲۵۸

خاقانیا خسان که طریق تو می‌روند

زاغند زاغ را روش کبک آرزوست

دیوان خاقانی، ص ۸۹۳

۵ و ۶. دیوان افضل‌الدین بدیل بن علی نجار خاقانی شروانی، دکتر سجادی، ص ۹۲۶.

۷. سبک خراسانی در شعر فارسی، ص ۷-۸.

سبک و طرز دانست.

تاریخچه و تعریف: کهن‌ترین اشارات را در باب سبک، در آثار بازمانده از یونان باستان و در کتابهای مربوط به فن خطابه می‌توان دید. در مجموع، در مباحث سبکی در آثار اروپاییان، دو دیدگاه افلاطونی و ارسطویی قابل تشخیص است.

بنابر دیدگاه افلاطونی، سبک، کیفیتی است که در بعضی از آثار ادبی وجود دارد و در بعضی وجود ندارد. از این دیدگاه، سبک به معنی هماهنگی کامل میان الفاظ و اندیشه است، بنابراین نویسنده یا شاعری صاحب سبک است که برای بیان اندیشه خود واژه‌های مناسب و شیوه بیان درست یافته باشد.

در دیدگاه ارسطویی، سبک، محصولی از عوامل متعدد است که در اثری جمع می‌شود و آن را از سایر آثار مشابه متمایز می‌کند. بنابراین دیدگاه، به تعداد آثار، سبک وجود دارد. بسیاری از منتقدانی که درباره سبک سخن گفته‌اند، آن را از همین دیدگاه نگریده‌اند و از آن جمله است بوفن طبیعی دان فرانسوی.

آنان که سبک را از دیدگاه ارسطویی نگریده‌اند بر آنند که سبک را می‌توان به انواع مختلف طبقه‌بندی کرد. اولین طبقه‌بندی که در آثار ادیبان یونان و روم قدیم دیده می‌شود تقسیم سبک به سه نوع عالی، خوب و معمولی است که درباره تعریف و حدود شرایط آنها سخنان بسیار گفته‌اند. اما مهمترین طبقه‌بندی در سبک بنابر دیدگاه ارسطویی، هفت نوع است که قابل تقسیم به انواع فرعی‌تر نیز هست:

۱- نامگذاری سبک بر مبنای نام نویسنده یا شاعر، و آن زمانی است که سبک شاعر یا نویسنده‌ای خاص، مقبول طبع دیگران واقع شود و از آن تقلید کنند مانند سبک بیهقی و سبک نصرالله منشی و سبک سعدی و سبک نظامی.

۲- سبکی که بنابر رواج آن در دوره‌ای معین، نامگذاری شده باشد، مانند سبک دوره مشروطه یا سبک عصر مغول.

۳- سبکی که بر مبنای نوع ادبی یا ویژگیهای لفظی اثر یا آثار، نامگذاری شده باشد مانند سبک حماسی و سبک مصنوع.

۴- سبکی که بر اساس موضوع دانشی نامگذاری شود مانند سبک فلسفی.

۵- سبکی که در منطقه‌ای جغرافیایی رایج شده باشد مانند سبک هندی یا اصفهانی، و

سبک خراسانی.

۶- سبکی که بر اساس مخاطبان نامگذاری شده باشد مانند سبک درباری و سبک عامیانه.

۷- سبکی که نامش از هدف و نیت نویسنده یا شاعر گرفته شده باشد مانند سبک ژورنالیستی^۱.

ارسطو در رساله فن خطابه خویش معتقد است که به اندازه انواع^۲ ادبی، سبک وجود دارد. بدین ترتیب، وی میان سبک سخن حماسی و سبک سخن غنایی تفاوت قائل شده است^۳.

بر اساس دیدگاه ارسطویی بعدها منتقدان یونان و روم قدیم، سبکها را طبقه‌بندی کرده‌اند و به سبک ساده یا مرسل و سبک بلند و عالی (خیال‌انگیز و مصنوع) و سبک معتدل (میان سبک مرسل و عالی^۴) قائل شده‌اند و از اینگونه است تقسیم‌بندی دیمتریوس منتقد و ادیب مجهول‌الهویه یونانی که پس از ارسطو می‌زیسته است. وی سبکها را به عادی، مجلل، آراسته و قوی تقسیم کرده است. به نظر وی هر یک از این سبکها را ویژگیهایی است. از ترکیب این سبکها، سبکهای میانه پدید می‌آید و افراط یا تفریط در ویژگی‌های هر یک از این سبکها، سبک را دگرگون می‌کند و از این رهگذر سبکهای متضاد با تقسیم‌بندی مذکور به دست می‌آید^۵.

روشن است که اینگونه تقسیم‌بندیها مبنای علمی ندارد و حد و مرزی هم برای آنها نمی‌توان تعیین کرد.

در دوران رنسانس نخستین کسی که تعریفی علمی و دقیق از سبک به دست داده است بوفن^۶ (۱۷۰۷-۱۷۸۸ م.) طبیعی دان فرانسوی است. وی به سال ۱۷۳۵ م. خطابه خویش را در جلسه عمومی فرهنگستان فرانسه به «سبک» اختصاص داد^۷.

وی سبک را عبارت می‌داند از «نظم و تحرکی که مردم در اندیشه‌های خود پدید می‌آورند»^۸، تکلف و به کار گرفتن اندیشه‌ها و مفاهیم سست و سبک و پراکنده را دشمن

۱. واژه‌نامه هنر شاعری، ذیل واژه سبک، ص ۱۲۵-۶.

2. Genres

۳. سبک خراسانی در شعر فارسی، ص ۱۳.

۴. همان، ص ۱۴.

۵. شعر بی‌دروغ شعر بی‌نقاب، ص ۱۶۴.

6. Buffon

۸. همان، ص ۱۵.

۷. سبک خراسانی در شعر فارسی، ص ۱۴.